

تفسیر روان و ساده قرآن کریم  
قسمت چهل و یکم، سوره بقره

# ذکر کتاب

درس گفتارهای  
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا  
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ  
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي  
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

در ادامه مباحث تفسیر آسان و تبیین و تحلیل آیات  
قرآن کریم، به آیه ۲۶ سوره بقره رسیدیم.

### فساد اعتقادی، عامل گنبدگی روح

حضرت حق فرمود: ﴿وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾. از  
مثال‌ها و آیات الهی که خدا برای هدایت بشر نازل  
می‌کند، مومنین بهره می‌برند، اما فاسقان با این آیات،  
گمراه می‌شوند. چرا؟ چون اصل کُلِّ نبوت را قبول  
ندارند. چون به پیامبر شک دارند. در هر آیه و در هر  
مثالی، یک *اِن قُلْتِي*، وارد می‌کنند و بهانه‌ای می‌تراشند  
برای اینکه به پیامبر نسبت دروغ بدهند و تخطئه کنند  
پیامبر را و لذا خدا می‌فرماید، ﴿وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا  
الْفَاسِقِينَ﴾ از آیات الهی و بالخصوص مثال‌ها، چه  
کسانی گمراه می‌شوند؟ خدا با این مثال‌ها، چه کسانی  
را گمراه می‌کند؟ کسانی که فاسق‌اند یعنی روحشان

گندیده است. روح، چطور گندیده می‌شود؟ با فساد اعتقادی. اگر انسان اعتقادش، باورش، باور صحیح نباشد و حق را باور نداشته باشد، روحش گندیده می‌شود. روح ایمان در وجودش از بین می‌رود و این فساد اعتقادی می‌شود که خطرناک‌تر از فساد عملی است. قرآن می‌فرماید، فاسقان، نه تنها به وسیله آیات الهی هدایت نمی‌شوند، بلکه گمراه هم می‌شوند. [چند مثال برای توضیح بیشتر مطلب]:

### مثال‌هایی پیرامون توضیح شیوه موضع‌گیری فاسق در مقابل آیات الهی

فرض کنید کسی مُرده است. کسی که مُرده باشد، آیا با ویتامین زنده می‌شود؟ نه. نه تنها زنده نمی‌شود و بدنش قوت نمی‌گیرد، بلکه هرچه که در دهانش بریزید، برایش منفعتی ندارد. اگر بخواهید به او آمپول تزریق کنید، چون روح در بدن ندارد و مُرده است، شما نمی‌توانید هیچ کاری برای او بکنید تا زنده بشود. جز اینکه یک شوکی وارد بشود که خودش بخواهد زنده بشود و ایمان بیاورد. آن یک حرف دیگری است. اما تا وقتی در این حالت کفر باقی است، شما هرچه به او بدهی، تاثیر ندارد. چون به شما شک دارد. اگر به زور غذا را در دهانش بریزید، خفه می‌شود. چون قبول ندارد که این غذا است، لذا غذا را نمی‌بلعد، غذا داخل دهانش می‌ماند و موجب خفگی‌اش می‌شود، یا در

گلویش می‌پرد و موجب خفگی‌اش می‌شود. چون ایمان ندارد به اینکه شما می‌خواهی به او خدمت بکنی. خب این انسان فاسق، در مقابل همه آیات الهی موضع می‌گیرد. به جای اینکه این آیات، برای او شفاء و رحمت باشد، موجب خسارتش می‌شود. فرض کنید، کسی قبول ندارد که شما او را دوست دارید، وقتی غذا و لقمه بخواهید دهانش بگذارید، اگر این لقمه را از شما نپذیرد، این موجب خفگی‌اش می‌شود.

### فاسقین چه کسانی هستند؟

خب، فاسقین چه کسانی هستند؟ در آیه ۲۷ می‌فرماید، ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ فاسقین کسانی هستند که عهد خدا را شکسته‌اند، یعنی همان گلیات را قبول ندارند. عهد خدا چیست؟ عهد خدا، عهد ربوبیت است. خدای متعال، کجا با ما عهد بسته؟ خدا در عالم دَر با همه انسان‌ها عهد بسته است. در سوره اعراف می‌فرماید، ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾. وقتی همه انسان‌ها، به صورت ذرّه‌های ریز نور بودند، خدا، از گلِ سرسبیدِ عالم هستی، یعنی نورِ محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، انسان‌ها را خلق کرد. وقتی خدا ما بذرها را از آن گل آفرید، خطاب

۱. سوره اعراف؛ آیه ۱۷۲

به همه ما در آن عالم فرمود، آیا شما بذرها، می‌خواهید مثل آن گل بشوید؟ آیا حاضر هستید که من شما را گل کنم؟ ربوبیت مرا می‌پذیرید؟ یعنی اگر احکام مرا در زندگی خودتان اجرا کنید، اگر بر اساس احکام من و چارچوب قوانین من زندگی کنید، گل می‌شوید و الا، خار می‌شوید و هیچ وقت گل نمی‌شوید. آیا برای گل شدن، حاضر هستید ربوبیت من را بپذیرید؟ ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى﴾. همه گفتیم بله. این واقعه، در عالم ذر اتفاق افتاد. بنابراینکه، عالم ذر را یک عالم واقعی بگیریم.

### چگونگی عهد بستن خدا با انسان

اخبار و روایات، تایید می‌کنند که عالم ذر بوده. حالا بعضی استبعاد می‌کنند و می‌گویند، مگر چنین چیزی می‌شود؟ بعضی از مفسرین، استبعاد کردند و قبول ندارند که عالم ذر، به این شکل بوده. خب این صرف استبعاد است و هیچ دلیلی هم برای رد آن ندارند. اما بالاخره می‌پذیرند که یک‌جا خدا، درباره ربوبیت خودش، با انسان عهد بسته و نهایتاً می‌گویند در فطرت انسان عهد بسته است. پس اصل عهد بستن خدا با انسان را، همه قبول دارند. بعضی می‌گویند در عالم ذر بوده، بعضی می‌گویند در فطرت و بعضی می‌گویند، در هر دو. یعنی خدا، هم در عالم ذر با ما پیمان بسته و هم در فطرت. فطرت هر کسی، میل به

کمالِ مطلق دارد. وقتی ما میلِ به کمالِ مطلق و قدرتِ مطلق داریم، عقل، به ما می‌گوید، این قدرتِ مطلق وجود دارد. پس فطرتِ ما خداجوست. یعنی فطرتِ ما قبول دارد، یک نیروی مطلق وجود دارد. این می‌شود عهده‌ی که هر انسانی در فطرت خودش، با خدا بسته و خدا از انسان عهد گرفته. در باطنِ هر کسی، میل به قدرتِ مطلق، نشان‌دهنده وجودِ آن منبعِ قدرتِ مطلق است، که خدا باشد. این یک جور عهد فطری است که همه انسان‌ها، در فطرت خودشان این عهد را بسته‌اند. یعنی قبول دارند که یک نیروی مطلق وجود دارد، که او باید صاحب اختیار ما باشد. ما دوست داریم مثل او بشویم، دوست داریم به سمت او برویم. خب این می‌شود عهدِ فطری. حالا کافران هم این عهد را در فطرتشان دارند. کافر هم میل به قدرتِ مطلق دارد. او هم دوست دارد به قدرتِ مطلق برسد. پس خدا در باطنِ هر کافری، این عهد را با او بسته. اگر همین الان از کافر بپرسید که تو میل به قدرتِ مطلق داری؟ می‌گوید، بله. بعد می‌گوییم، آیا دوست داری به قدرتِ مطلق برسی؟ می‌گوید، بله. ببینید پس این عهد یک بار هم نیست. هر لحظه انسان، به باطن و فطرت خودش توجه کند، این مساله را در می‌یابد، که من میل به قدرتِ مطلق دارم و باید

به قدرتِ مطلق برسیم. این می‌شود عهد فطری، که در درون هر انسانی هست.

### عهد شکنی فاسق با خدا و فطرت خود

خداي متعال می‌فرماید، فاسقان کسانی هستند که بر خلاف فطرتشان، عهد می‌بندند، یعنی دوست دارند که به قدرتِ مطلق برسند، اما این عهد را می‌شکنند. یعنی بر خلاف میل باطنی‌شان که میل به قدرتِ مطلق دارند، عمل می‌کنند. آنها برای رسیدن به قدرتِ مطلق، باید راهی را که آن خدایی که منبع قدرتِ مطلق است، آن راه را بپذیرند تا برسند به آن معدنِ قدرتِ مطلق، اما بر خلاف میل‌شان، راه را نمی‌پذیرند. گمان می‌کنند، می‌شود از راه دیگری برسند. ﴿يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾<sup>۲</sup> فکر می‌کنند از راهِ مثلا ثروت و قدرت زیاد می‌شود به آن قدرتِ مطلق رسید. اینجا آن عهد فطری‌شان با خدا را، نقض کردند. آن عهد، چه در عالم ذر چه در فطرت باشد. دقت کنید، قرآن می‌گوید فاسق این است، یعنی فاسق کسی است که برخلاف فطرتش عمل می‌کند. فاسق کسی است که عهد شکن است، حتی سرِ خودش گُلاه می‌گذارد. فاسق کسی است که خودش را فریب می‌دهد. او در باطنش میل به قدرتِ مطلق دارد، اما در زندگی، در مسیر رسیدن به قدرتِ مطلق حرکت نمی‌کند. آن پیمان فطری خودش را نقض می‌کند.

۲. سوره همزه؛ آیه ۳

دقت کردید؟ حالا قرآن می‌فرماید، فاسقان اینها هستند. ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾ فاسق کسی است که آن جس فطری خودش را نسبت به خدا و عهد و پیمانی که در درون خودش با خودش بسته، شکسته است. به آن خدایی که در درونش احساس می‌کند که این معدن قدرت مطلق وجود دارد و من باید بسوی او حرکت کنم، این پیمان را می‌شکند یا شکسته است ﴿يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾ عهد خدا را بعد از میثاق و محکم شدنش می‌شکند. حالا اینجا بعضی می‌گویند، محکم شدن این حس فطری، به وسیله براهین عقلی است. هر انسانی فطرتاً میل به خدا دارد، میل به قدرت مطلق دارد. دلایل عقلی مُتَقَن هم برای انسان اثبات می‌کند، که امکان رسیدن به این معدن قدرت مطلق وجود دارد. عقل می‌گوید، این منبع قدرت مطلق که تو میل به آن داری، وجود دارد و تو باید بروی و به او متصل شوی، تا تو هم از این قدرت مطلق، اِلَى الْاَبَد بهره‌مند بشوی. عقل هم به انسان می‌گوید، این میثاق، که محکم کردن این عهد توسط عقل است، اما فاسق هر دو را می‌شکند. او نه به فطرتش توجه دارد، نه به آن عهدی که در فطرت با خدا بسته، پایبند است و نه به این حجت عقلی که عقلش برایش اقامه می‌کند.

## گسستن پیوند با مسیر انبیاء و ائمه از سوی فاسق

خب پس فاسق کسی است که کلاً از بیخ، زیر میز زده. فاسق کسی است که احکام اولیه ربوبیت الهی را نمی‌پذیرد و نپذیرفته. اگر دعوت ابتدائی خدا به ربوبیت خودش را قبول نداشته باشید، موجب چه می‌شود؟ موجب این می‌شود، ﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾. یعنی چه؟ پیوندش را با ارحام خودش با کسانی که خدا فرموده با آنها باید پیوند داشته باشید، قطع می‌کند. خب کسانی که خدا فرموده باید با آنها پیوند داشته باشید، چه کسانی هستند؟ صله رحم فقط نیست، اول انبیا و ائمه و بعد یکی از مصادیق دیگرش که ته جدول قرار می‌گیرد، خویشاوندان هستند. اما مسئله اصلی، همین دو تایی اول، انبیا و ائمه علیهم السلام هستند. خدا فرموده، اگر می‌خواهی به قدرت مطلق برسی، که میلش در عالم دَر، در درون تو گذاشته شده. خدا اینطور فرموده، فقط ربوبیت مرا قبول کنی، کافی نیست. نبوت را هم باید بپذیری. یعنی اگر می‌خواهی من تو را اداره کنم، باید بپذیری که یک نفر را که می‌فرستم که احکام من را به تو بگوید، او را قبول داشته باشی. او از جانب من آمده، با دلیل به تو ثابت می‌کند، که پیغمبر من هست و تو باید بپذیری. راهی را که به تو نشان می‌دهد، بیا تا به من برسی. و بعد از او، امامت کسی که بعد از پیامبر می‌آید، او را

هم باید بپذیری. تو باید با این دو ارتباط داشته باشی. با نبی خدا و با امام. اگر ارتباطت با اینها قطع بشود، تو نمی‌توانی به آن خواسته فطری خودت که رسیدن به قدرت مطلق باشد برسی. خوب آن وقت فاسق کیست؟ فاسق کسی است که هم عهدش را نقض می‌کند و بر خلاف فطرتش در مسیری که خدا به او می‌گوید بیا نمی‌آید و هم اینکه پیوندش را با کسانی که او را در مسیر می‌توانند کمک کنند و دستش را بگیرند که خارج از مسیر انبیا و ائمه نشود، نقض می‌کند.

### تفاوت خویشاوندان واقعی با شناسنامه‌ای

ما یک بدن داریم که خویشاوندان این بدن ما، پدر و مادر و برادر، اینهایی که به خاطر این بدن، با ما خویش هستند. خدا فرموده که با آنها باید ارتباط داشته باشی، صله رحم کنید. دید و بازدید داشته باشی. اما چون اینجا صحبت از این است که انسان روحش باید به تعالی و رشد برسد ﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ یعنی آن کسی که روح تو را می‌تواند به خدا وصل کند، کیست؟ پیامبر و امام است. رابطه خودت را با اینها قطع نکن. خویشان اصلی تو و بستگان واقعی تو، پیامبر خدا و ائمه اطهار هستند که اینها پدر و مادر واقعی تو هستند. ﴿أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾<sup>۳</sup> یکی از مصادیقش هم همین است که هم شاکر من باش، از

۳. سوره لقمان؛ آیه ۱۴

من اطاعت کن هم **لِوَالِدَيْكَ** والدین تو چه کسی هست؟ پدر و مادرِ روحِ تو کیست؟ «**أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ**». من و علی، پدر این امت هستیم. پدرِ روحِ ما، پیغمبر و حضرت علی است. پدر جسم ما، پدر شناسنامه‌ای ماست. اما اینجا سخن از تعالی روح است. اینجا وقتی خدا می‌فرماید. **﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾**. یعنی پیوندشان با پیغمبر و علی، که پدر این امت هستند، قطع کرده‌اند. بله مشرکین پیامبر را قبول ندارند. منافقین علی را قبول ندارند. هر دو پیوندشان را قطع کردند. ممکن است که پیوندشان با اقارب و نزدیکانِ خودشان خوب باشد، اما آن فایده ندارد. صله رحیم اصلی اینجاست. ارتباط با پیغمبر و علی باید محکم باشد، تا تو را به خدا برسانند. فاسقان کسانی هستند که این پیوند را قطع کردند. هم عهدشان را با خدا شکستند، هم پیوندشان را با پیغمبر و علی در جامعه قطع کردند. **﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ﴾** ۴.

### فسادِ فاسقان، پیامد اقدامشان بر خلاف اراده خدا در جامعه

حالا چون عهد را شکستند و این پیوند را قطع کردند. **﴿وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ﴾** در زمین فساد می‌کنند. این فساد یعنی چه؟ یعنی بر خلاف اراده خدا، قدم

۴. سوره بقره؛ آیه ۲۷

برمی‌دارند. خدا فرموده، برای اینکه برسید به بی‌نهایت، این طوری باید حکومت کنید، این طوری باید جامعه را اداره کنید، آنها کارهایی بر خلاف اوامر خدا در جامعه می‌کنند که جامعه را به فساد می‌کشانند. خدا می‌فرماید، حکم من این است که باید حَدَّ عَفَافٍ و حجاب در جامعه رعایت بشود اما منافق و مشرک می‌گویند، نه اشکال ندارد. بگذارید مردم در جامعه آزاد باشند. من در مقابل مردم نمی‌ایستم. قانون حجاب را ابلاغ نمی‌کنم. خدا فرموده حکم خداست. او می‌گوید، نه من ابلاغ نمی‌کنم. من در مقابل آزادی مردم نمی‌ایستم. بگذارید مردم آزاد باشند. بگذارید مردم شاد باشند. ببینید این یعنی **﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ﴾**. چون اعتقادی ندارد به اینکه باید رابطه خود را با پیغمبر و علی و انبیا و ائمه، محکم کند. می‌گوید، ما باید رابطه‌مان را با ابرقدرت‌ها، محکم بکنیم تا پیشرفت کنیم. من اعتقادی به محکم کردن رابطه با پیغمبر و ائمه و ارزش‌های دینی ندارم. رابطه ما اگر با اروپا و آمریکا برقرار بشود، مشکلاتمان حل می‌شود اما رابطه‌مان اگر با خدا وصل بشود، نه، من اعتقاد ندارم که اگر حجاب داشته باشیم یا ارزش‌های الهی در جامعه پیاده بشود، خدا به ما برکات می‌دهد. من اعتقادی به این آیه ندارم که می‌فرماید **﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا﴾**

لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ<sup>۵۰</sup>. اگر مردم و مدیران یک جامعه، اهل ایمان و تقوا باشند و ارزش‌های الهی را پیاده کنند، خدای متعال برکاتش را از آسمان و زمین بر اینها نازل می‌کند.

### رابطه کشف حجاب با خشک‌سالی

بعضی اعتقاد ندارند، می‌گویند، چطوری حجاب باعث آمدن برکات می‌شود؟ اینها خرافات است. چه جوری بی‌حجابی، باعث نیامدن باران و خشک‌سالی می‌شود؟ مسخره می‌کنند همان می‌شود ﴿يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا﴾ گمراه می‌شوند. تازه شما بیا این روایت را برایشان بخوان که کشف حجاب، موجب خشک‌سالی می‌شود. می‌خندند. دقت فرمودید؟ بعد می‌گویند، در اروپا که این همه کشف حجاب می‌کنند و فاسد هستند، چرا در آنجا اینقدر باران می‌آید؟ می‌گوییم، تو در جامعه دینی، با خدا عهد بستت. آنها از اول با خدا عهد نبستند. آنها از اول نیامدند مسلمان باشند، آنها از بیخ کافرند. اما تو یک چیزی را قبول داری، تو یک عهدی در وجودت با خدا هست. تو یک چیزهایی داری که باید روی آن پایبند باشی. کسی که خارج از کلاس است، هر کاری کند با او کاری ندارند. اما کسی که داخل کلاس آمد، اگر تخلف کرد و قوانین کلاس را نپذیرفت، او را تنبیه می‌کنند. آن شخص اروپایی تنبیه

۵۰. سوره اعراف؛ آیه ۹۶

نمی‌شود. به خاطر همین، در دنیا تنبیه نمی‌شود و در آخرت تنبیه می‌شود. اما تو که به این دنیا آمدی، اگر تخلف کنی، هم در کلاس تنبیه می‌شوی هم در آخرت. **وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ** اینها چون احکام الهی را در جامعه پیاده نمی‌کنند، موجب فساد در زمین می‌شوند. **أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ** اینها زیانکاران اند. زیان و خسارت اصلی این است که قرآن می‌فرماید **﴿وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾**<sup>۶</sup>

### پیامد زیر پا گذاشتن احکام اجتماعی دین

انسان در حال خُسْر و زیان است. یعنی سرمایه‌اش تلف می‌شود. اگر از این سرمایه برای رسیدن به خدا استفاده نکند، سرمایه‌اش آب می‌شود. نه تنها سود نمی‌برد، بلکه سرمایه‌اش هم می‌سوزد. کسانی که سرمایه‌شان می‌سوزد، هر چند که در ظاهر بگویند، ما خدا را قبول داریم، فایده ندارد. آنچه که باعث می‌شود، تا سرمایه آنها در راه تعالی و رشد بکار گرفته بشود، ایمان به ربوبیت خدا، به نبوت و به احکام، مخصوصاً احکام اجتماعی دین است. اگر این احکام را زیر پا گذاشتی و گفתי در مقابل مردم نمی‌ایستم، این باعث می‌شود که سرمایه تو تلف شود. مسلمان بودن تو، قرآن و نهج البلاغه خواندن تو، تظاهر است. معلوم می‌شود که به هیچ کدام، اعتقاد نداری. **﴿أُولَئِكَ هُمُ**

۶. سوره عصر؛ آیه ۱ و ۲

الْحَاسِرُونَ﴾ اینها زیان کاران هستند. بزرگترین زیان هم همین است که تو فکر کنی مسلمانی، ولی در آخر ببینی، سرمایه‌ات تلف شده. چون مسلمانی را صرفاً در این می‌دانستی که خدا را قبول دارم. یک نمازی در مقابلش می‌خوانم، ولی احکام دین خدا را در جامعه پیاده نمی‌کردی. پس تو مسلمان نیستی، خسارت کردی. خسارتی از این بالاتر نیست که ﴿خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ﴾<sup>۷</sup> می‌شوی. ان شاء الله که این طور نباشیم.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته.

---

۷. سوره حج؛ آیه ۱۱